



سلمان فارسی، استاندار مدائن

احمد صادقی اردستانی

موضوع:

اصحاب: ۵ (تاریخ: ۷۶)

گروه مخاطب:

- عمومی

شماره انتشار کتاب (چاپ اول): ۵۶۱

سلسل انتشار (چاپ اول و باز چاپ): ۴۰۰۸

صادقی اردستانی، احمد، ۱۳۲۳ -

سلمان فارسی، استاندار مدائن / احمد صادقی اردستانی. - قم: مؤسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۷۶.

[۴۲۸] ص. - (مؤسسه بوستان کتاب؛ ۵۶۱) (اصحاب؛ ۵. تاریخ؛ ۷۶)

۹۰۰۰ تومان. 3 - 0236 - 09 - 964 - 978 ISBN

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

ص. ع. به انگلیسی: Ahmad Sadeqi-Ardestani, Salman Farsi, the Governor-General of Madayn

کتابنامه: ص. [۴۱۷] - ۴۲۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.

چاپ دوم: ۱۳۸۸.

۱. سلمان فارسی، - ۳۶ ق. - سرگذشتنامه. ۲. صحابه - سرگذشتنامه. الف. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

مؤسسه بوستان کتاب. ب. عنوان.

۲۹۷/۹۴۲

۲ ص ۸ س ۳۳ BP

۱۳۸۸

بوستان کتاب
۱۳۸۸

و لقد جَمَعْتَ حَوْلَكَ يَا رَسُولُ صَحَابَةً
بِعَمَائِمٍ، تَزْهَوُ عَلَى التَّيْجَانِ
خَشْنَتَ مَلَابِسُهُمْ وَ لَانَ جَوَارُهُمْ
بِالْعَدْلِ، فَالْأَعْدَاءُ كَالْأَخْوَانِ

ای رسول خدا! به راستی یارانی را گرد خود
فراهم آورده ای، که عمامه های آنان، بر تاج ها
افتخار دارند، لباسهای آنها خشن است، اما
جوارح و قلبهای آنان، در برابر عدالت نرم
است، و دشمنان چون برادران شده اند.

فهرست موضوعات

عنوان	صفحه
همچو سلمان	۱۸
مقدمه چاپ پنجم	۱۹
بر چاپ سوم	۲۱
مقدمه استاد مصطفی زمانی	۲۳
پیشگفتار	۲۷
فصل ۱: ... از کلیسا تا آغوش اسلام	
مهد پرورش سلمان	۳۸
پروازی در عالم	۴۰
ناقوس کلیسا	۴۱
در آتش فراق!	۴۳
به جرم عشق!	۴۴
تنگنای زندان	۴۵
راز و نیاز	۴۷
ترک وطن	۴۹
کاروان شام	۵۰
در مکتب راهب	۵۱
در چنگال مرگ	۵۲
تظاهر دردناک	۵۳
پیشوای جدید	۵۴
آنطاکیه و اسکندریه	۵۵
به سوی موصل	۵۶
شهر نصیبین	۵۷
در راه عموریه	۵۸

فهرست موضوعات

اشک حسرت!	۵۹
ظهور پیامبر خاتم!	۶۰
قافله عرب	۶۱
دهشت شب!	۶۲
دوران بردگی!	۶۳
مژده وصال	۶۴
دیدار یار	۶۶
در آستان اسلام	۶۷
داستان طولانی	۶۹
تاریخ مسلمانی	۷۰

فصل ۲: شخصیت ماندگار

شخصیت ماندگار	۷۴
شخصیت، در روان شناسی	۷۷
۱- ایمان استوار و بلند	۷۸
۲- سلمان «منا»	۸۱
الف: علی (ع) و	۸۱
ب: چگونگی از اهل بیت (ع)	۸۲
توضیح «ابن عربی»	۸۳
شان بیان	۸۴
ایمان و تقوی	۸۶

فصل ۳: فضایل و مناقب درخشان

فضایل و مناقب درخشان	۹۰
۱- فرزند اسلام	۹۰
فرزند خصال خویشتن	۹۳
۲- ارکان چهارگانه	۹۴
۳- از هوشیاران	۹۵
۴- از سردمداران	۹۵

۵- اطاعت از سلمان.....	۹۶
۶- مایه های برکت.....	۹۷
۷- سلمان علوی (ع) و قریشی.....	۹۸
۸- نامه به برادر سلمان.....	۹۹
توضیحات.....	۱۰۱
۹- محبوب خدا و رسول (ص).....	۱۰۳
۱۰- معشوقه های بهشتی.....	۱۰۴
۱۱- سالارهای بهشت.....	۱۰۶
۱۲- یاران محمد (ص) و علی (ع).....	۱۰۶

فصل ۴: حکمت و فقاہت

حکمت و فقاہت.....	۱۱۰
آگاهی به حوادث.....	۱۱۳
سرچشمه این علوم.....	۱۱۵
۱- تورانیت الهی.....	۱۱۶
۲- رمز و راز.....	۱۱۸
۳- به «اسم اعظم».....	۱۱۹
۴- الهام و حدیث.....	۱۲۱
رسول، نبی، مُحدِّث.....	۱۲۳
قاتل سلمان را.....	۱۲۴
نمونه ها.....	۱۲۶
تفسیر قرآن.....	۱۲۹

فصل ۵: در ماجرای بیعت

در ماجرای بیعت.....	۱۳۲
شرح حال امام علی (ع).....	۱۳۶
۱- خطابه حکیمانه.....	۱۳۸
۲- دامن او را نمی گیرید؟.....	۱۴۰
۳- صبر تلخ.....	۱۴۲
۴- سخنرانی در مسجد.....	۱۴۴

در میاهوی مسجد.....	۱۴۷
ناچار، بیعت.....	۱۴۸

فصل ۶: در محضر علی (ع) و فاطمه (س)

در محضر علی (ع) و فاطمه (س).....	۱۵۲
حلال مشکلات.....	۱۵۶
در خدمت فاطمه (س).....	۱۵۸
۱- به هنگام عروسی.....	۱۵۹
۲- تسلی به فاطمه (س).....	۱۶۰
۳- شاهد امداد غیبی.....	۱۶۱
۴- ناظر رنج و تلاش.....	۱۶۲
۵- چادر وصله دار.....	۱۶۴
۶- دعوت فاطمه (س).....	۱۶۷
دعای نور.....	۱۷۰
۷- به هنگام وداع.....	۱۷۱

فصل ۷: قرآن و سلمان

قرآن و سلمان.....	۱۷۴
۱- مؤمنان.....	۱۷۴
۲- سابقون.....	۱۷۵
۳- خداجویان.....	۱۷۵
۴- دوستان واقعی.....	۱۷۷
۵- هدایت یافتگان.....	۱۷۸
۶- عمل صالحان.....	۱۷۸
۷- شاهدان و صالحان.....	۱۷۹
۸- پاداش صالحان.....	۱۷۹
۹- از پارسیان.....	۱۷۹
۱۰- ملحق شدگان.....	۱۸۱
۱۱- شب زنده داران.....	۱۸۲
ایمان و عمل.....	۱۸۴

فصل ۸: سخنان حکیمانه و روشهای سازنده

سخنان حکیمانه و روشهای سازنده.....	۱۸۶
۱- شکرگزاری.....	۱۸۷
۲- کار جانشینی.....	۱۸۷
۳- فرار از قرآن!.....	۱۸۸
۴- نمونه زن مؤمن.....	۱۸۸
۵- محرومیت از نماز شب.....	۱۸۹
۶- قلب و پیکر.....	۱۸۹
۷- میهمان ناشکرا.....	۱۹۰
۸- میهمانان پر توقع.....	۱۹۲
۹- شش چیز عجیب!.....	۱۹۳
۱۰- حالت چطور است؟.....	۱۹۳
۱۱- کیف اصبحت؟.....	۱۹۴
۱۲- ظلم به مردم.....	۱۹۵
۱۳- زیان حرف زیاد.....	۱۹۵
۱۴- سجده و همنشینی.....	۱۹۶
۱۵- عذاب قبر.....	۱۹۶
۱۶- میزان عمل.....	۱۹۷
۱۷- ارتباط ارواح.....	۱۹۷
۱۸- آموختن ضروری.....	۱۹۸
۱۹- بیماری و گرفتاری مؤمن.....	۱۹۸
۲۰- برای عبور از صراط.....	۱۹۹
۲۱- حساب خواب.....	۱۹۹
۲۲- اهمیت امانت.....	۱۹۹
۲۳- دعای بعد از غذا.....	۲۰۰
۲۴- درد پسند.....	۲۰۰
۲۵- گسترش سلام.....	۲۰۱

۲۶- خطر حرص زیاد.....	۲۰۱
۲۷- نماز شب.....	۲۰۱
۲۸- طیب مؤمن.....	۲۰۲
۲۹- آموزش حکمت.....	۲۰۲
فصل ۹: روایات سلمان	
روایات سلمان.....	۲۰۴
۱- تفرقه امت!.....	۲۰۴
۲- سعید و شقی.....	۲۰۵
۳- شهادت به یگانگی خدا.....	۲۰۵
۴- اعلم امت.....	۲۰۶
۵- اولین مسلمان.....	۲۰۶
۶- برادر، و جانشین.....	۲۰۶
۷- گم شدن حسن و حسین(ع).....	۲۰۷
۸- احترام میهمان.....	۲۰۸
۹- روزه ۲۷ رجب.....	۲۰۸
۱۰- غسل و نظافت جمعه.....	۲۰۸
۱۱- نماز جمعه.....	۲۰۹
۱۲- اضافه شدن نماز.....	۲۰۹
۱۳- پاسداری از مرز.....	۲۱۰
۱۴- حب علی(ع).....	۲۱۰
۱۵- بهترین جانشین.....	۲۱۰
۱۶- قصر بهشتی.....	۲۱۱
۱۷- معنای ولایت.....	۲۱۱
۱۸- علاقه شدید به فاطمه(س).....	۲۱۲
۱۹- پدر نه امام(ع).....	۲۱۲
۲۰- امامان دوازده گانه.....	۲۱۳
۲۱- فرزند نهم حسین(ع).....	۲۱۳

۲۱۴	۲۲- محبت علی (ع) چرا؟
۲۱۴	۲۳- حضرت مهدی (ع)
۲۱۴	۲۴- حزب پیروز
۲۱۵	۲۵- گناه ریزی
۲۱۵	۲۶- زندان مؤمن و بهشت کافر
۲۱۶	۲۷- میان بهشت و دوزخ
۲۱۶	۲۸- پیشوای مسلمانان
۲۱۸	۲۹- علامات ظهور
۲۱۸	۳۰- گلهای دنیایی
۲۱۹	۳۱- واسطه های فیض
۲۱۹	۳۲- نامگذاری فرزندان
۲۲۰	۳۳- سنگر نجات
۲۲۰	۳۴- ایمان و محبت
۲۲۱	۳۵- خوراک جنین
۲۲۱	۳۶- بهتر و افضل
۲۲۱	۳۷- پیوند با علی (ع)
۲۲۲	۳۸- بیعت رهبری
۲۲۲	۳۹- حیل های آینده
۲۲۲	۴۰- شش وصیت
۲۲۳	۴۱- مسئولیت پیشوایی
۲۲۳	۴۲- نوشته بر شمشیر علی (ع)
۲۲۴	۴۳- زن منت گذار!
۲۲۴	۴۴- شرم الهی!
۲۲۵	۴۵- اگر علی (ع) نبود
۲۲۷	۴۶- نشانه های قیامت
۲۳۲	۴۷- عظمت اهل بیت (ع)
۲۳۶	۴۸- اعتراض به حدیقه

۲۳۷	۴۹- زیادهای بی حیایی
۲۳۷	راویان سلمان
فصل ۱۰: کتاب سلمان، خبر جاثلیق	
۲۴۰	کتاب سلمان، خبر جاثلیق
۲۴۲	ترجمه متن کتاب
۲۴۳	در مسجد پیغمبر (ص)
۲۴۵	سخن با مسیحیان
۲۴۷	به من جواب دهید
۲۴۷	ظلم مردم!...
۲۴۹	به آستان علی (ع)
۲۵۰	جاثلیق و علی (ع)
۲۵۲	در چشمه سار علم
۲۵۷	حجت او صیاء
۲۵۹	جایگاه ما، در بهشت و دوزخ
۲۶۰	هر چه می خواهی سؤال کن
۲۶۱	خدا، و «عرش»
۲۶۱	حاملان «عرش»
۲۶۲	خدا کجاست؟
۲۶۳	بهشت کجاست؟
۲۶۴	تکلیف بهشت و دوزخ
۲۶۵	«وجهه»، به کدام سو؟
۲۶۶	در آغوش اسلام
۲۶۷	چرا چنین کردید؟
۲۶۷	ستایش علی (ع)
۲۶۸	تکرار تاریخ
۲۶۹	اختلاف ائمتها!
۲۷۱	برای حفظ اساس اسلام

تکلیف شما	۲۷۳
امیدپروزی	۲۷۴
پروزی نهایی	۲۷۶
اشک گرم علی (ع)	۲۷۶
سه توضیح	۲۷۷

فصل ۱۱: در جبهه‌های جنگ

در جبهه‌های جنگ	۲۸۰
۱- در جنگ «خندق»	۲۸۱
کندن خندق	۲۸۳
قدرت دلاوری	۲۸۵
کاخهای «حیره» و «مداین»	۲۸۵
ماجرای جنگ خندق	۲۸۷
۲- در جنگ «طائف»	۲۸۸
به سوی طائف	۲۹۰
۳- در جنگ «قادسیه»	۲۹۱
۴- در فتح «مداین»	۲۹۴
نامه پیامبر (ص) به «خسرو پرویز»	۲۹۶
ادامه جنگ	۲۹۷
رهبری سلمان	۳۰۰
تصرف کاخ سفید	۳۰۱
حفظ بیت المال	۳۰۳
ظهور فرزند فارس	۳۰۵
۵- در جنگ «بلنجر»	۳۰۶
۶- در پیکاری دیگر	۳۰۷
شهر سازی	۳۰۸
در اصفهان	۳۰۹

فصل ۱۲: داستانها و سرگذشتها

داستانها و سرگذشتها	۳۱۲
۱- دیدن ابوذر داء	۳۱۲
۲- در بازار آهنگران	۳۱۳
۳- روزه جمعه	۳۱۵
۴- روزه سالانه	۳۱۵
۵- شوخی امام علی (ع)	۳۱۸
۶- روی سنگ داغ!	۳۱۹
۷- ملاقات ابوذر	۳۲۰

فصل ۱۳: کرامات اعجازگونه

کرامات اعجازگونه	۳۲۲
فراست و تیز هوشی	۳۲۵
تحصیل فراست	۳۲۷
۱- سخن از کربلا و...	۳۲۸
بارگاه اسلام	۳۳۰
۲- نوید لذت عاشورا	۳۳۳
۳- از جنگ «جمل»	۳۳۴
۴- آهوی کباب شده	۳۳۵
۵- جواب مردگان!	۳۳۶
۶- امانت سلام	۳۳۷
۷- ظهور امام غایب (ع)	۳۳۸
۸- شهید کوفه	۳۳۹
۹- در دیگ غذا	۳۴۰
۱۰- سخن روی آب!	۳۴۱
توضیح لازم	۳۴۱
درباره غلات	۳۴۳

فصل ۱۴: استاندار مداین

استاندار مداین	۳۴۶
شکوه «کاخ سفید»	۳۴۸
سقوط و سرنگونی	۳۴۹
۱- انحصار و اختناق	۳۵۱
۲- حبس و زندان	۳۵۲
۳- قتل و خونریزی	۳۵۳
۴- خوشگذرانی و رفاه زدگی	۳۵۴
۵- ظلم و عسیان	۳۵۴
مأموریت سنگین سلمان	۳۵۶
مسئولیت پیشوایی	۳۵۷
شیوه‌های استانداری	۳۶۰
۱- اقدام فرهنگی	۳۶۱
۲- پرهیز از زخارف	۳۶۲
۳- ارتزاق از راه کار	۳۶۳
۴- ساده زیستی	۳۶۳
تحلیل زهد و پارسایی	۳۶۵
۵- سرکشی و دلجویی	۳۶۷
۶- امداد مادی و معنوی	۳۶۸
۷- یاری رسانی	۳۶۹
۸- اطاعت امام (ع)	۳۷۰
جواب به خلیفه	۳۷۱
جواب به ابودرداء	۳۷۴
نامه و جواب آن	۳۷۵

فصل ۱۵: زن و فرزندان

زن و فرزندان	۳۷۸
۱- خواستگاری دختر «عمر»	۳۷۸

ازدواج با غیر عرب!	۳۸۰
۲- خواستگاری دوم	۳۸۱
۳- ازدواج	۳۸۲
فرزندان و نواده‌ها	۳۸۴
۱- ضیاءالدین	۳۸۵
۲- شمس‌الدین، سوزنی	۳۸۶
۳- عبدالفتاح	۳۸۸
۴- ابو کثیر بن عبدالرحمن	۳۸۸
۵- ابراهیم بن شهریار	۳۸۸
۶- حسن بن حسن	۳۸۹

فصل ۱۶: به آخرین سفر

به آخرین سفر	۳۹۲
عیادت کنندگان	۳۹۴
تاریخ وفات	۳۹۵
نتیجه	۳۹۸
مدت عمر	۳۹۹
در بستر مرگ	۴۰۲
به انتظار میهمانان	۴۰۳
حضور امام علی (ع)	۴۰۴
امامان (ع) در کنار محضر	۴۰۵
اعتراض مُستنصر عباسی	۴۰۷
بارگاه سلمان (ره)	۴۰۸
زیارت نامه سلمان فارسی (ره)	۴۱۳
مزار حذیفه	۴۱۵
پایان	۴۱۵
منابع مورد استفاده	۴۱۷
آثار دیگر مؤلف	۴۲۱
تصویر بارگاه سلمان و حذیفه	۴۲۴

همچو سلمان

بندگی کن، تا که سلطانت کنند
خوی حیوانی، سزاوار تو نیست
چون نداری درد، درمان هم نخواه
بسنده شیطنانی و داری، امید
سوی حق نارفته، چون داری طمع؟
از چه شهوت، قدم بیرون گذار
بگذر از فرزند و جان و مال خویش
سر بنه در کف، برو در کوی دوست
جسم لاهوتی اگر داری، بیا
چون علی(ع) در عالم مردانگی
همچو سلمان، در مسلمانی بکوش
تا توانی، در گلستان جهان
همچو خاک افتادگی کن، پیش از آن
تن رها کن، تا همه جانت کنند
ترک این خو کن، که انسانت کنند
درد پیدا کن، که درمانت کنند
که ستایش، همچو یزدانت کنند
همسر موسی بن عمران کنند؟
تا عزیز مصر و کنعانت کنند
تا خلیل الله دوران کنند
تا چو اسماعیل، قربانت کنند
تا به بزم قرب، مهمانت کنند
فرد شو، تا شاه مردانت کنند
ای مسلمان! تا که سلیمان کنند
خار شو، تا گل به دامانت کنند
که به زیر خاک پنهانت کنند

سید عباس حسینی جوهری

کلیات خزائن الاشعار، ص ۲۸

به نام خدا

مقدمه چاپ پنجم

آن روز که این جانب کتاب «سلمان فارسی» را می نوشتم، حدود ۲۳ سال داشتم، و اکنون ۲۷ سال از آن تاریخ می گذرد. در همان سالها که این کتاب چاپ شد، مورد استقبال خوب خوانندگان عزیز قرار گرفت، و با تعداد فراوانی، چهار نوبت تجدید چاپ گردید.

اما به دلیل ضرورت یک باز نگری کامل در کتاب، تجدید چاپ آن بیش از ده سال متوقف شد، تا به دنبال تقاضای مکرر گروهی از فضلا و طلاب محترم، فرصتی را فراهم کردم، و طی چند ماه مطالعه و تحقیق، کتاب را با طرحی نو، قالبی جدید، و امتیازات زیر، تقدیم می دارم:

- ۱- در فصل اول کتاب، اصلاحات و اضافات زیادی صورت گرفت.
- ۲- فصلهای جدید و مشروحی به کتاب افزوده شد، به طوری که چاپهای قبلی کتاب، که از هفت فصل تشکیل می گردید، اکنون با شانزده فصل ارائه می شود.
- ۳- مطالب کتاب، نسبت به چاپهای قبلی بیش از دو برابر افزایش یافت، تا جایی که کتاب با قطع جیبی و ۳۴۴ صفحه، اکنون با ۴۲۴ صفحه، در قطع وزیری ارائه می گردد.
- ۴- فصل اول کتاب، تقریباً در «قالب داستان» تنظیم شده، اما فصلهای دیگر، به شیوه تحقیقی، و در عین حال با قلمی روان و ساده، نگارش یافته است.

۵- برخلاف چاپهای قبلی، همه مطالب کتاب مأخذ یابی دقیق شده، و مأخذها در پاورقی‌ها آورده شده است.

۶- و بالاخره، در طرح و قالب و محتوای کتاب «سلمان فارسی، استاندار مداین» تغییرات و اضافات فراوانی صورت گرفته، به گونه‌ای که اگر کسی چاپهای قبلی این کتاب را خوانده باشد، اکنون آن را تألیف جدیدی خواهد یافت.

امید است این نوشتار، یک خدمت مفید دینی و فرهنگی محسوب گردد، و در جامعه اسلامی بتوانیم، فضایل اخلاقی، روشهای حکیمانه، عبادت خالصانه، دانش جهادگرانه، اطاعت آگاهانه، و منشهای زاهدانه سلمان فارسی را - به خصوص در شیوه‌های مدیریتی و اجرایی نظام اسلامی - ملاک و معیار عملی قرار دهیم، تا قرب الهی را تحصیل، و خدمت به خلق خدا را، شکوفاتر سازیم.

قم: حوزه علمیه، احمد صادقی اردستانی

۶ بهمن ۱۳۷۵ - ۱۵ شعبان ۱۴۱۷

به نام خداوند

بر چاپ سوم

همچنانکه انتظار می‌رفت، با توجه خداوند، این اثر ناچیز تا اندازه چشمگیری، با استقبال گرم طبقات مختلف روبرو شد، و اکنون برای سومین چاپ، با اضافات و اصلاحات بصورت کاملتری در اختیار خوانندگان محترم قرار می‌گیرد.

به راستی مقام و شخصیت والای سلمان، در خور چنین تجلیل و تقدیری هم بود، زیرا وی از طرفی اولین مسلمان هموطن ما بوده، و از طرف دیگر، در میان مسلمانان صدر اسلام، به درجه و مقامی نایل آمده بود، که رسول اکرم (ص) در باره این گونه افراد می‌فرمود: **كادوا أن يكونوا من الحكمة أنبياء**^۱.

بعید نیست که آنان، در حکمت و شناخت حق و باطل، مانند انبیاء و پیامبران باشند!

آری، سلمان از دیدگاه پیغمبر (ص) دارای چنین مقامی بود، زیرا در شرایط و موقعیتهای مختلف، آنطور با بصیرت و موقع شناس بود، که به هنگام عبادت به نماز و روزه می‌پرداخت، وقت کار و حفر خندق کلنگ به دست می‌گرفت، در میدان جنگ حضور فعال داشت و حتی فرمانده ارتش بود، به وقت سختی سپاه اسلام، در جنگ طائف منجنیق و تانک اختراع می‌نمود، به هنگام کارگشایی و حل مشکلات اجتماعی مردم «مداین» قلم و دوات به کار می‌برد، و به هنگام مناظره و دفاع از ساحت مقدس علی (ع) با حربه علم و منطق وارد صحنه نبرد و مبارزه می‌گردید و این است راه و

رسم یک مسلمان راستین و آگاه، بخصوص کسی که می‌خواهد عهده‌دار رهبری و هدایت خلق گردد. و نیز بدین جهت است که امام صادق (ع) می‌فرماید: **العالم بزمانه لا تهجم علیه اللّوایس**.^۱

کسی که به شرایط و مقتضیات زمان خود آگاه باشد، دستخوش اشتباهات و لغزشها قرار نمی‌گیرد.

به هر حال، این است سیره و شیوه سلمان فارسی، که روزگاری برای نجات خویش از ضلالت و بت‌پرستی با وضع رقت باری از ایران به شام و حجاز گریخت، و روزگاری هم به عنوان فرمانده ارتش اسلام به ایران آمد و گفت: **إِنِّي مِنْكُمْ فِی الْأَصْلِ، أَدْعُوكُمْ إِلَيْهَا مَا يَصْلُحُكُمْ، إِنْ تَسْلُمُوا فَاِخْوَانًا**.^۲

من نیز مانند شما اصالتاً ایرانی هستم، و برای دعوت و هدایتی که به صلاح شماست آمده‌ام، اگر مسلمان شوید برادران ما خواهید بود.

باری، راه و رسم سلمان، برنامه قرآن است، که ابتدا با فرمان: **امنوا** دستور خودسازی می‌دهد، و سپس با بیان: **تواصوا بالحق**^۳ مسلمانان را به «دیگرسازی» و مسؤولیت نظارت بر اصلاح اجتماع و امی دارد.

سلمان هم از ایران به حجاز رفت و ابتدا خود را اصلاح نمود، سپس به ایران باز گشت، تا دیگران را نیز به راه ارشاد و اصلاح برساند.

امید است، شیوه سلمان برای همه مسلمانان هم، راه و رسم زندگی اسلامی قرار گیرد.

قم: احمد صادقی اردستانی

۱۴ رجب ۱۳۹۷ هجری

به نام خدا

مقدمه استاد: مصطفی زمانی

اولین مسلمان ایرانی

اگر چه علی بن ابیطالب (ع) تا آنجا مورد توجه ایرانیان قرار گرفت که چند مرتبه آن حضرت را برای تدریس در دانشگاه جندی شاپور دعوت کردند، و اگر چه ایرانیان آنقدر علاقه به خاندان رسالت پیدا کردند که از علی (ع) و همچنین از امام حسین (ع) چندین مرتبه دعوت کردند که حکومت ایران را بپذیرند و برای ریاست بر ایرانیان به ایران سفر کنند، و اگر چه مقام ایرانیان مسلمان به آنجا رسید که در وزارت دارایی مسلمانان دارای مقامات عالی گردیدند، زیرا ایرانیان در کار اسلحه‌سازی، خدمات شایانی به مسلمانان کردند، اما تمام این توجهات ایرانیان به اسلام و مسلمانان و خاندان رسالت (ع) و نفوذ در میان مسلمانان، پس از مسلمان شدن ایرانیان بود.^۱

آری، اولین ایرانی که برای شناسایی خدای یکتا و فرار از ظلم و ستم و بیدادگری بار سفر بست و به سیاحت و مسافرت پرداخت، سلمان فارسی بود.

با توجه به هدف سلمان فارسی درک می‌کنیم که، اگر آن همه رنج و ناراحتی را مشاهده کرد، در راه هدف عالی و الهی او ارزش داشته است و برای همین ارزش فکر و هدف اوست که رسول اکرم (ص) و خاندانش سلمان را به بزرگی یاد می‌نمودند و از او احترام می‌کردند.

۱- مقدمه استاد، برای رعایت اختصار، تلخیص شده است.

۱- تحف العقول، ص ۲۶۱، طبع نجف.

۲- تاریخ طبری، ج ۳، ص ۱۲۵.

۳- سورة والعصر.

روش محمد(ص) نسبت به سلمان

از آن روزی که رسول خدا(ص) سلمان را خریداری کرد و آزادش نمود^۱ او را مورد لطف و مرحمت قرار داد و تا آنجا لطف رسول خدا(ص) افزایش یافت که، آنگاه که میان سلمان و ابوذر پیمان «اخوت» برقرار می‌کرد و آنان را با یکدیگر برادر می‌نمود، با ابوذر شرط کرد که نافرمانی سلمان را ننماید.^۲

آن روزی که رسول خدا(ص) با سلمان درباره مبارزه با نیروی دشمن مشورت می‌کرد و سلمان عرضه می‌داشت: در ایران ما، در چنین مواردی خندق حفر می‌کنند و مسلمانان از پیشنهاد سلمان به تعجب می‌افتادند و دوست می‌داشتند که او را به خود منتسب گردانند و به همین منظور گفتند: سلمان از ماست، رسول خدا(ص) سلمان را پیش از پیش مورد لطف قرار داد و فرمود: «سلمان از ما اهل بیت است».^۳

کار مهربانی رسول خدا(ص) نسبت به سلمان به آنجا کشید که برای دفع توهّم و یا اعتراض عده‌ای فرمود: «من مأمور شده‌ام چهار نفر را دوست بدارم و دستور بدهم که آنان را دوست بدارند، این چهار نفر عبارتند از: علی(ع) سلمان، ابوذر، و مقداد».^۴ سلمان نه تنها مورد محبت حضرت رسول اکرم(ص) بود، بلکه تا آنجا مورد اعتماد و امین پیامبر اسلام(ص) و علی بن ابیطالب(ع) قرار گرفت که، شب عروسی حضرت زهرا(س) مرکب سواری آن مخدّره را از جلو می‌کشید و رسول خدا(ص) از عقب سر، آن را می‌راند تا به خانه علی(ع) رسیدند.^۵ پس از ازدواج علی(ع) هم سلمان، مشاور حضرت زهرا و رازدار آن بانوی عزیز

۱- سفینه البحار، ج ۱، ص ۶۴۶.

۲- تحفة الاحیاء، ص ۱۲۹.

۳- اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۲۶۵.

۴- سفینه البحار، ج ۱، ص ۶۴۶.

۵- سفینه البحار، ج ۱، ص ۶۴۸.

بود و گاه و بیگاه درد دل‌های آن مخدّره را برای رسول خدا و علی(ع) بیان می‌نمود. سلمان فارسی، تنها در زمان زندگی خود و یا سلامتی رسول خدا(ص) و علی بن ابیطالب(ع) مورد لطف و مرحمت و ستایش نبود، بلکه پس از مرگ هم تا آنجا مورد احترام و عنایت این خانواده بود که حضرت صادق(ع) در این باره، مورد اعتراض قرار می‌گرفت!

ولی آن حضرت در برابر اعتراضات دیگران می‌فرمود: «علت اینکه من سلمان را به نیکی یاد می‌کنم این است که، او دارای سه خصلت بود: خواسته علی(ع) را بر خواسته خود مقدّم می‌داشت، فقراء را دوست می‌داشت و آنان را بر ثروتمندان برتر می‌دانست، و دوستدار علم و دانشمندان بود».^۱

روش امنیتی سلمان

(سلمان که با اذن علی(ع) از سوی خلیفه دوم، سمت استانداری مداین را قبول کرد^۲ وقتی وارد مداین شد، به زنبیل بافی مشغول گردید تا زندگی خویش را تأمین کند، زیرا با اینکه سهمیه او پنج هزار درهم بود، آن را در راه خدا انفاق می‌کرد و می‌گفت: دوست می‌دارم از دسترنج خود اِرتزاق کنم، و به کارهای مردم هم رسیدگی نمایم.^۳

شغل اختصاصی سلمان، سبب شد که، عده‌ای از آنان که چشمشان به ظواهر دوخته بود، نسبت به وی و دستوراتش بی‌اعتنا گردند و به همین جهت، دزدی و فساد رواج یابد، اما سلمان از مسجد خارج شد و به یک سنگ که در کنار راه بود جمله‌ای گفت....^۴

۱- سفینه البحار، ج ۱، ص ۶۴۸.

۲- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۸، ص ۳۹.

۳- سفینه البحار، ج ۱، ص ۲۶۷ و شرح ابن ابی الحدید، ج ۱۸، ص ۳۷.

۴- برنامه سخن گفتن اولیاء خدا را با حیوانات در کتاب: سلیمان و بلقیس، کتاب ششم فرهنگ اسلام مطالعه فرمایید.

به دنبال جمله سلمان، دیگر کسی جرأت نداشت شبها خارج از وقت مقرر، از منزل خارج گردد، زیرا آنان که شب خارج شده بودند مورد حمله سگها قرار گرفتند و به قتل رسیدند.

سلمان فارسی

کتاب «سلمان فارسی» نوشته جناب دانشمند ارجمند آقای احمدصادقی اردستانی، که اینک در اختیار خوانندگان کتابهای مذهبی قرار می‌گیرد، یکی از آثار متعددی است، که عده‌ای از فضلاء حوزه علمیه قم تألیف نموده و یا در دست تألیف دارند و به تدریج چاپ می‌گردد و در اختیار طبقه جوان قرار می‌گیرد. امید است این نوشتار مورد توجه صاحب‌نظران قرار گیرد و نه تنها نویسنده محترم این کتاب، در تکمیل آثار دیگرش تشویق گردد، بلکه سایر دوستان عزیزمان هم که تشخیص داده‌اند، از راه قلم بهتر می‌توان به اجتماع خدمت کرد به کار خویش دلگرم‌تر شوند و در راهی که در پیش گرفته‌اند، بیش از پیش کوشا باشند و محصول زحمات خود را به تدریج در اختیار خوانندگان عزیز قرار دهند.

قم - دیماه ۱۳۴۸

مصطفی زمانی نجف آبادی

پیشگفتار

در این کتاب از یک قهرمان برگزیده مسلمان سخن به میان می‌آوریم، از سلمان فارسی، از سلمان محمدی (ص)، یار ممتاز و عالی رتبه پیامبر اسلام (ص). نویسنده در آثار مختلف اسلامی به کاوش پرداخته و این کتاب محصول مطالعات تاریخی اوست که اینک به صورت کارنامه خواندنی و درخشان از یک شخصیت بزرگ مسلمان در برابر خواننده عزیز گشوده می‌شود.

خواندن این سرگذشت تاریخی برای ملت ایران، بیشتر از دیگران در خور مطالعه و دقت است، چون در روزگاری که فضای وطن ما را اوهام و خرافات مجوسیت و آتش پرستی فراگرفته و تاریک ساخته بود، اول کسی که سدّ رؤیا پرستی و خیال‌پروری و تبعیض نژادی را در هم شکست و شجاعانه و آزادانه برای یافتن یک مذهب واقعی و آرامش آفرین قدم استواری برداشت، سلمان فارسی ایرانی بوده است. از این نظر لازم است پیرامون این شخصیت فوق‌العاده که بیش از دو قرن زندگی کرد و اکنون حدود هیجده قرن از آغاز زندگی او می‌گذرد عمیق‌تر مطالعه کنیم، تا شخصیت درخشان و پر عظمت هم میهن پیشقدم خود به اسلام را، درست‌تر بشناسیم.

از کدام شهر بوده است؟

وقتی به کتابهای تاریخی مراجعه می‌کنیم در این زمینه، که آیا سلمان از کدام یک شهرهای ایران بوده است غوغایی می‌یابیم، که مورّخین در میدان تاریخ به پا کرده‌اند! گروهی او را اصفهانی دانسته، برخی وی را شیرازی خوانده و احیاناً عده‌ای هم نوشته‌اند: قهرمان کتاب ما، از سرزمینهای اهواز، شوشتر، رامهرمز و بهبهان برخاسته است و کسانی هم خواسته‌اند اصلاً وجود چنین شخصی را در تاریخ اسلام انکار کنند!!

محمد بن عبدالبرّ، مورخ بزرگ اسلامی می‌نویسد: «سلمان إصالتاً از رامهرمز فارس، از قریه‌ای که آن را «جّی»^۱ می‌نامیدند می‌باشد و بعضی هم او را اصفهانی معرفی کرده‌اند».^۲

نویسنده کتاب «قاموس الرجال» در مورد اصالت سلمان اظهار نظری نکرده، بلکه با تردید اینگونه نوشته است: «سلمان یا از شیراز یا اهل رامهرمز یا اهواز یا شوشتر و یا قریه «جّی» در اصفهان می‌باشد».^۳

بعضی هم گفته‌اند: وی اهل بهبهان بوده است. ولی آنچه قفل این مشکل را می‌گشاید و شعله این جدال را خاموش می‌کند این است که بگوییم: پدر و مادر سلمان از اصفهان بوده‌اند و سپس به کازرون رفته‌اند و در آنجا زندگی خویش را آغاز نموده‌اند. زیرا در متون تاریخی سخن از اصفهانی بودن سلمان زیاد آمده و آنگاه هم که سلمان به تحریم اسلام قدم می‌گذارد، وقتی رسول خدا (ص) به او دستور می‌دهد

۱- الاستیعاب، ج ۲، ص ۵۷.

۲- جّی، نام قدیم اصفهان بوده، الآن آباد نیست، از آن شهر جداست و مردم آن را شهرستان می‌نامند. پاورقی السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۲۲. حسن عمید و دهخدا می‌نویسند: جّی، لقب قدیم اصفهان بوده، و اکنون نام دهستانی از توابع اصفهان است. فرهنگ عمید، تاریخ و جغرافیا، ص ۳۵۲، لغت نامه دهخدا، ج ۱۷، ص ۱۸۳.

۳- قاموس الرجال، ج ۴، ص ۴۳۲.

تا سرگذشت خود را بیان کند، وی ضمن توضیحات زیادی می‌گوید: «من مردی پارسی، اهل اصفهان از قریه‌ای که آن را «جّی» می‌نامند می‌باشم».^۱

از طرف دیگر در تاریخ می‌خوانیم که رسول خدا (ص) نامه دامنه‌داری برای برادر و بستگان سلمان به کازرون می‌نویسد و اعلام می‌دارد که: مردم خاندان سلمان را مورد تکریم و احترام قرار دهند.^۲

روی این حساب، سلمان هم اصفهانی بوده، چون در آنجا متولد شده و می‌زیسته، و بعد هم چون برادر و بستگان او به کازرون رفته‌اند، و اعضای خانواده وی در کازرون می‌زیسته‌اند، می‌توان سلمان را هم اهل کازرون دانست.

بنابراین، سلمان اصالتاً اهل اصفهان بوده، بعد به کازرون هجرت کرده، برادر و خانواده وی هم به آنجا مهاجرت نموده‌اند. و شاید هم او برای مدتی به شیراز و اهواز و شوشتر و بهبهان و رامهرمز که در تاریخ آمده مهاجرت داشته، و شاید هم آن روز به همه این مناطق، شیراز اطلاق می‌شده است.

آنچه مسلم است سلمان مسلمانی رشید و ممتاز و سر سلسله تمام یاران پیامبر اسلام بوده است، و ما هم هدف خود را که عبارت است از آشنایی با مقام درخشان وی و سرمشق و آموزش گرفتن از آن شخصیت ایمانی و اخلاقی دنبال می‌کنیم و به قول خود او می‌گوییم: «سلمان فرزند اسلام است».^۳

اما وجود چشمه سلمان، در مشرق دشت آرژان، قبرستان سلمانیه در کازرون، که هم اکنون آثاری از آن هست، مسجد جامع عقیق که به مسجد مُلّا بُرات معروف است و نامه رسول خدا به عنوان معافیت خاندان سلمان و بلکه تمام اهالی کازرون، این‌ها نشانه و دلیلی است، که برادر و اعضای خانواده سلمان از اصفهان به کازرون مهاجرت کرده باشند.

۱- السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۲۸.

۲- همین کتاب، ص ۹۹ و بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۳۶۸.

۳- الاستیعاب، ج ۲، ص ۶۱.

سلمان پاک

«سلمان پاک» نام کتابی است که دکتر عبدالرحمن بدوی برای یک قسمت از چهار قسمت کتاب خویش تحت عنوان «شخصیات قلقة فی الاسلام» انتخاب کرده است. اصل این کتاب را پروفیسور «لونی ماسینیون» اسلام شناس فرانسوی نگاشته و «عبدالرحمن بدوی» آن را به عربی آورده، و آقای دکتر علی شریعتی هم آن را از عربی و فرانسه، به پارسی ترجمه کرده است.

در این کتاب به خوبی روشن است که «ماسینیون» به همه کتابهای مستند تاریخی دست رسی کامل نداشته و تنها از چند کتاب دست خورده و رساله‌هایی که مورخین مرموز از گوشه و کنار، افسانه‌ها را با مطالب تاریخی بهم بافته‌اند استفاده کرده است! ماسینیون می‌نویسد: «در سال ۱۹۹۲ «هوروویتز» در رساله موجز و فشرده و بسیار نندی کوشید تا نشان دهد که سیره سلمان خرافه‌ای بوده که از بحث اشتقاقی مربوط به کلمه «خندق» زائیده شده است، و در این موضوع از نظریه «ماکس مولر» که ریشه خرافه را در یک نوع بیماری زبان می‌داند پیروی کرده است. به نظر وی در آغاز تنها یک نام ساده «سلمان» در فهرستهای غیردقیقی یافت می‌شده است، که مدافعین اسلام می‌کوشیدند تا از اسامی «شهود اهل کتاب»^۱ یهودیان و مسیحیانی که در آغاز کار به رسالت پیغمبر (ص) ایمان آورده‌اند، تنظیم کنند. این نام که بطور مبهمی به یک ایرانی نسبت داده شده است برای آراستن جنگ خندق بکار رفته است.

کلمه خندق، که از زمان قدیم معرّب شده، ولی از اصل ایرانی آمده است و یک کار استراتژیکی را که فکر می‌کنند ریشه ایرانی داشته است بیان می‌کند، این فکر را القاء کرد، که از نام سلمان (فارسی) که از او هیچ خبر نمی‌شناختند، یک مهندس ایرانی،

۱- گروهی از اهل تسنن عقیده دارند: منظور از من عنده علم الکتاب «عبدالله سلام، تمیم الداری و سلمان فارسی یا مطلق پیروان تورات و انجیل می‌باشند. خلافت و ولایت، ص ۲۱۲.

یک مزدکی مسلمان شده، و مشاور خاص محمد (ص) بسازند و بدین طریق زمینه را مهیا کردند، تا نامش را در فهرست شیعی اولین مدافعان آل علی (ع) ثبت کردند. بر اساس این فرضیه هورو، سایر تفصیل مربوط به حیات سلمان را زائیده همین خرافه اشتقاقی می‌داند!^۱

داوری ماسینیون

ولی «ماسینیون» که تا اندازه‌ای عادلانه‌تر فکر کرده، در صفحه بعد و همچنین در اواخر کتاب خود به دفاع از حریم سلمان پرداخته و در مطالب تاریخی که همه باید مقلد باشیم، اینگونه به اجتهاد پرداخته است: «اشکالی نخواهد داشت که فکر کنیم پیغمبر (ص) در کنار همکاران بزرگ سیاسی و آن همه هم پیمانان سودجو و مشکوکش - دوستانی مطمئن داشته که دلش به آنها نزدیکتر بوده است، تا به تحریکات سیاسی حرمش - و پس از خدیجه وزید، و بیشتر از این دو به خدیجه و سلمان دلبستگی داشته است».^۲

نیز ماسینیون می‌نگارد: «زهری که «هوروویتز» در اینجا از او پیروی می‌کند: مزدور بنی‌امیه بوده است و می‌کوشیده ارزش «شاهدی» را که از جانب شیعیان انقلابی ستایش شده است، تباه سازد»!^۳

حدیث: سلمان منا

از پروفیسور «ماسینیون» اسلام شناس فرانسوی، تاکنون با احترام نام بردیم و او را یک مؤرخ و محقق منصف قلمداد کردیم، و در کتاب «سلمان پاک» هم مطالب مهم و

۱- سلمان پاک ص ۷۷.

۲- سلمان پاک ص ۱۴۶.

۳- همان مدرک ص ۹۲.

قابل دقتی آورده است.

اما نباید غافل بود که همه اظهارات و نوشته‌های چنین افرادی برای ما قابل قبول و اعتماد نیست! چون گاهی این محققین و مؤرخین به کتابهای اصیل و صحیح اسلامی دست‌رسی نداشته و گاهی هم دستخوش وسوسه‌ها و مأموریت‌هایی می‌شده‌اند، که مجبور بوده‌اند نابجا اظهار نظر کرده و مسائل اعتقادی و مذهبی را با اوهام و افسانه‌ها در آمیزند! تا در نتیجه دیگران از این آب گل آلود، بهتر ماهی بگیرند!

اکنون ما به عنوان نمونه سه مورد از سهل‌انگاریهای آقای «ماسینیون» را خاطر نشان ساخته و به پاسخ آن می‌پردازیم:

الف: یک مورد مربوط به: «سلمان مِّنْ أَهْلِ الْبَيْتِ»، حدیث معروف نبوی (ص) است، که همه مؤرخین اسلامی آن را ثبت کرده‌اند، ولی ماسینیون به استناد «سیره ابن هشام» اینطور نوشته است:

«در باره حدیث: «سلمان مِّنْ أَهْلِ الْبَيْتِ» این حدیث بر یک روایت واحد، از یک راوی مدنی (کثیر بن عبدالله بن عمرو بن عوف یشکری) استوار است، که ابن هشام و «واقدی» آن را ضعیف و «یقال» تَلَفُّی کرده‌اند.^۱

در پاسخ این ادعا می‌گوییم:

۱- ابن هشام و «واقدی» حدیث را ضعیف ندانسته، بلکه با صَحَّت و قاطعیت، آن را روایت کرده‌اند.^۲

۲- غیر از این دو تاریخ‌نگار، مؤرخان فراوانی، از شیعه و اهل سنت، حدیث را روایت نموده، که برای اطلاع بیشتر به کتابهای: الاصابة، الاستیعاب، اسد الغابة، صفة الصفوة، قاموس الرجال، نقد الرجال و کتب صحیح دیگری که در پاورقیهای این کتاب نشانی آنها آمده، لازم است مراجعه شود.

۱- سلمان پاک، ص ۹۴.

۲- السيرة النبوية، ج ۱، ص ۷۲، و ترجمة مفازی واقدی، ج ۲، ص ۳۳۴.

ب: مورد دومی که «ماسینیون» را دچار اشتباه کرده، مسئله بردگی و آزادی سلمان است، که وی اینطور به سؤال شگفت‌مندانه خویش می‌پردازد: «چگونه سلمان که عرب نبود پس از آزادی از بردگی توانست در میان این امت جوانی که در مدینه پدید آمده بود جای بگیرد؟

چون وی به وسیله عده‌ای آزاد شده بود، و باید برده آزاد شده همه کسانی باشد، که در باز خرید وی سهم بوده‌اند؟

با این حال، کمی بعد اعلام می‌شود که: وی آزاد شده شخص پیغمبر (ص) است!.^۱

جواب قسمت اول سؤال، در دو محور توضیح داده می‌شود:

۱- توجه دارید که ماسینیون در وهله اول تعجب می‌کند که، سلمان پارسی چگونه توانسته است در میان ملت عرب زندگی کند؟ در صورتی که خود در صفحه ۹۱ و ۷۴ «سلمان پاک»، موضوع اخوت اسلامی را میان «صُهیب یونانی»، بلال حبشی و سلمان ایرانی عامل وحدت و معاشرت دانسته است و می‌بایست این شبهه او بر طرف گردیده باشد.

۲- اضافه بر این، در مکتب صلح آفرین اسلام هر یک از عرب و عجم و اروپایی و آفریقایی بر دیگری امتیازی ندارند و تنها ملاک ارزشها و برتری‌ها، مقام ایمان و خداشناسی در افراد می‌باشد و اسلام با هرگونه خرافه پرستی و افتخار به رنگ و پوست بدن و نژاد پرستی، شدیداً مبارزه کرده است.^۲

همان روز هم اگر کسی چنین خیالی را در ذهن خود می‌پرورانید و احیاناً به زبان می‌آورد که: سلمان پارسی است و ما عربها، بر او امتیاز داریم، با مخالفت و

۱- سلمان پاک، ص ۹۱.

۲- کنز العمال، ج ۳، ص ۹۲.

سرزنش رسول اکرم (ص) مواجه می‌شود.^۱

ج: مورد سومی که «ماسینیون» راه خیال را پیموده است، مسئله بردگی و آزادی سلمان است که: «سلمانی که بردهٔ يك يهودی بوده بعد به همکاری چند مسلمان و سرپرستی پیغمبر (ص) خریداری و آزاد شده، باید بندهٔ همهٔ کسانی باشد که او را خریده‌اند».^۲

در صورتی که خیلی روشن است، کسی که آزاد شد، دیگر بنده نیست، بلکه مسلمانان او را خریدند و در راه خدا آزاد کردند، و از حالت «بردگی» بیرون آمد، مثل پارچهٔ سفیدی که به رنگ «مشکی» در آمده و رنگ دیگری به خود گرفته است.

بنابراین، سلمانی که «برده» بود و سپس آزاد شد، دیگر بردگی او معنایی ندارد، تا انگشت حیرت به دندان بگیریم که متعلق به کدامیک از خریدارانش می‌باشد؟ بلکه همه او را خریدند و در راه خدا آزاد کردند، و رسول خدا (ص) هم بانی آزادی وی بوده است. با این بیان مشکل «ماسینیون» حل می‌شود، و تناقضی هم وجود نخواهد داشت.

البته، کتاب «سلمان پاک» مطالب جالب و قابل مطالعه‌ای هم دارد، غیر از ایرادهای بالا هم در این کتاب مسایل دیگری که سزاوار بحث و بررسی است، به چشم می‌خورد، که در فرصت مناسب، می‌بایست به آن پرداخت.

هدف ما

منظور ما در این نوشته این است که، یک مسلمان پیشقدم ایرانی را به هم‌میهنان عزیز معرفی کنیم و از سرگذشت آموزندهٔ این مرد بزرگ درس فضائل و انسانیت بگیریم. در این زمینه‌ها گروهی دیگر از دوستان ما نیز قدمهای مثبت و فعالانه‌ای

۱- بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۳۷۴.

۲- سلمان پاک، ص ۹۱.

برداشته‌اند، که در شرف اتمام است، ماکامیابی آنها را آرزو مندیم تا مردان رشید و عالیمقام اسلام را به دوستانان اصحاب رسول خدا (ص) و شخصیت‌های بزرگ و خدمتگزار اسلام، معرفی نمایند.

در پایان این پیشگفتار، از فداکاریها و دلسوزیهای بزرگوارانهٔ استاد ارجمند جناب آقای مصطفی زمانی که از راهنمایی‌های دلسوزانهٔ خویش مرا بی‌بهره نگذاشته‌اند، سپاسگزارم.

قم - احمد صادقی اردستانی - پائیز ۱۳۴۸

منابع مورد استفاده

قرآن کریم، کلام الله مجید

اخلاق و شخصیت، جان دیوئی، ترجمه: مشفق همدانی، تهران، ۱۳۳۹ ش.

ارشاد القلوب، حسن بن ابی الحسن، محمد دیلمی م ۴۴۸ ق، ۲ جلد، قم، ۱۴۱۶ ق.

اسد الغابة فی معرفة الصحابة، علی بن محمد بن عبدالکریم جزری م ۶۳۰ ق، تهران.

امالی المفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری، المفید م ۴۱۳ ق، قم.

ایرانیان مسلمان در صدر اسلام و سیر تشیع، محمد محمدی اشتهاردی تهران ۱۳۷۱ ش.

بحار الانوار الجامعة لدرر الأخبار، علامه محمد باقر مجلسی م ۱۱۱۰ ق، بیروت.

بہجۃ الآمال فی شرح زیدة المقال، ملا علی علیاری تبریزی م ۱۳۲۷ ق، تهران ۱۳۷۱ ش.

بین یدی رسول الاعظم (ص)، محمد بحر العلوم، ۲ جلد بیروت، ۱۳۹۲ ق.

پیامبر (ص)، زین العابدین رهنما، چاپ نوزدهم، تهران، ۱۳۴۵ ش.

پیغمبر (ص) و یاران، محمد علی عالمی، ۵ جلدی قم ۱۳۸۶ ق.

تاریخ الیعقوبی، احمد بن ابی یعقوب م ۲۸۴ ق، بیروت، ۱۳۷۹ ق.

تاریخ الخلفاء، جلال الدین، عبدالرحمن بن ابوبکر سیوطی م ۹۱۱ ق، مصر ۱۳۷۱ ق.

تاریخ الامم والملوک، ابو جعفر محمد بن جریر طبری م ۳۱۰ ق، ۶ جلد بیروت.

تاریخ پیامبر اسلام، دکتر محمد ابراهیم آیتی، چاپ چهارم، دانشگاه تهران، ۱۳۶۶ ش.

ترجمه و شرح نهج البلاغه، علی نقی فیض الاسلام، تهران.

تفسیر فرات الکوفی، فرات بن ابراهیم بن فرات کوفی، قرن سوم هجری. نجف.

تفسیر نور الثقلین، عبد علی بن جمعة عروسی حویزی م ۱۱۱۲ ق، قم ۱۴۱۳ ق.

التنبیه والاشراف، ابوالحسن بن علی بن حسین المسعودی م ۳۴۵ ق، قاهره ۱۳۵۷ ق.

الاحتجاج، احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی، قرن ۶ ق، ۲ جلد، نجف ۱۳۸۶ ق.

حدود العالم من المشرق الى المغرب، مؤلف ناشاخته، تهران، ۱۴۰۳ق.

حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء، ابو نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی م ۴۳۰ق، قم ۱۳۸۷ق.

حیة الصحابة، محمد بن یوسف الکاندھلوی، ۳جلدی بیروت.

الاخبار الطوال، ابو حنیفة احمد بن داود دینوری م ۲۸۱ق، بغداد، افست.

الاختصاص، محمد بن محمد بن نعمان عکبری، المفید م ۲۷۶ق، قم.

خدمات متقابل اسلام و ایران، استاد شهید مرتضی مطهری شهادت ۱۳۵۸ش، تهران ۱۳۴۹ش،

قطع جیبی.

الدّر المنثور فی التفسیر بالمأثور، جلال الدین سیوطی م ۹۱۱ق، بیروت.

الدرجات الرفیعة فی طبقات الشیعة، سید علی خان مدنی شیرازی م ۱۱۲۰ق، قم، ۱۳۹۷ق.

دلائل الامامة، محمد بن جریر بن رستم طبری امامی، قرن چهارم هجری، قم ۱۴۱۳ق.

دیباچه ای بر رهبری، دکتر محمد حسن، ناصرالدین صاحب الزمانی، تهران ۱۳۴۸ش.

دیوان امیرالمؤمنین (ع)، ترجمه: استاد مصطفی زمانی م ۱۳۶۹ش، قم ۱۳۶۹ش.

دیوان حافظ، خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی، چاپ پنجم، حافظ نوین، ۱۳۷۳ش.

الذریعة الی تصانیف الشیعة، علامه شیخ محمد محسن، آقا بزرگ طهرانی م ۱۳۸۹ق، قم،

۲۸جلدی.

رجال النجاشی، احمد بن علی بن عیاش نجاشی م ۴۵۰ق، قم، مکتبة الداوری.

روان شناسی رشد، علی اکبر شعاری نژاد، چاپ دهم، تهران، ۱۳۷۲ش.

روزبه، یا سلمان محمدی (ص)، علی مهاجرانی، تهران ۱۳۵۱ش.

الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، ابن عبدالبر نمری قرطبی م ۴۶۳ق، در حاشیة الإصابه، بیروت،

۱۳۲۸ق.

سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، عباس بن محمد رضا القمی، م ۱۳۹۵، ۲جلد تهران.

سلمان الفارسی، شیخ عبدالله شیبی، چاپ سوم، بیروت، ۱۹۷۷م.

سلمان پاک، لونی ماسینیون فرانسوی، ترجمه: دکتر علی شریعتی، تهران ۱۳۴۳ش.

سلمان فارسی، احمد صادقی اردستانی، تهران ۱۳۴۸ش.

السیرة النبویة، عبدالملک بن هشام حمیری م ۲۱۸ق، مصر، ۱۳۵۵ق.

الاصابة فی تمييز الصحابة، احمد بن علی بن حجر عسقلانی م ۸۵۲ق، بیروت، ۱۳۲۸ق.

شرح نهج البلاغة، عزالدین، ابو حامد هبة الله، ابن ابی الحديد م ۶۵۵ق، ۲۰جلد مصر.

الشیعة و فنون الاسلام، سید حسن صدر م ۱۳۵۴ق، صیدا، ۱۳۳۱ق.

صحیح مسلم، مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری م ۲۶۱ق، ۵جلد مصر.

علل الشرائع، محمد بن علی بن حسین بن موسی بابویه قمی م ۳۸۱ق، نجف، ۱۳۸۵ق.

الغدير فی الکتاب و السنة و الادب، علامه عبدالحسین امینی م ۱۳۹۰ق، تهران، ۱۳۹۶ق.

الغیبة، ابو جعفر محمد بن حسن طوسی م ۴۶۰ق، قم.

فتاوی صحابی کبیر سلمان فارسی، شیخ خلیل کمره ای م ۱۳۶۲ش، تهران، ۱۳۵۱ش.

فتوح البلدان، احمد بن یحیی بن جابر بلاذری، ترجمه: دکتر محمد توکل، تهران، ۱۳۳۷ش.

فرحة الغری، غیاث الدین، سید عبدالکریم بن طالس م ۶۹۳ق، افست قم.

فرهنگ عمید، تاریخ و جغرافیا، حسن عمید، تهران ۱۳۴۶ش.

فرهنگ فارسی، دکتر محمد معین، ۶جلد، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۶۰ش.

فرهنگ فرق اسلامی، دکتر محمد جواد مشکور م ۱۳۷۴ش، مشهد، ۱۳۶۸ش.

الفهرست، ابو جعفر، محمد بن حسن طوسی م ۴۶۰ق، قم.

قاموس الرجال، علامه شیخ محمد تقی تستری م ۱۳۷۴ش، قم، ۱۳۷۹ق.

الکافی (اصول و فروع و روضه)، محمد بن یعقوب کلینی م ۳۲۹، تهران.

کتاب الاوائل، محمد مقدس اصفهانی م ۱۳۷۸ق، اصفهان، ۱۳۸۱ق.

کنز العمال، علاء الدین متقی هندی م ۹۷۵ق، ۱۶جلد بیروت، ۱۴۰۵ق.

الکنى و الالقاب، عباس بن محمد رضا القمی، م ۱۳۹۵، ۳جلد نجف، ۱۳۷۶ق.

لغت نامه دهخدا، علامه علی اکبر دهخدا، ۵۰جلد، تهران.

متن کامل دیوان شیخ اجل سعدی، تصحیح دکتر مظاهر مصفا م ۶۹۵ق، تهران، ۱۳۴۰ش.

مثنوی معنوی، جلال الدین محمد بلخی م ۶۷۲ق، تهران، خط میرخانی.

مجمع البیان فی تفسیر القرآن، فضل بن حسن طبرسی م ۵۴۸ق، تهران.

- مروج الذهب ومعادن الجواهر، علی بن حسین بن علی المسعودی م ٣٤٦ق، بیروت، ١٣٨٥ق.
- الامامة والسياسة، محمد بن عبدالله بن مسلم دينوري م ٢٧٦ق، مصر، ١٣٨٨ق.
- المعارف، ابن قتيبة دينوري، م ٢٧٦ق، بيروت، ١٣٩٠ق.
- معالم العلماء، محمد بن علی بن شهر آشوب مازندرانی م ٥٨٨ق، نجف، ١٣٨٠ق.
- مقتضب الاثر، احمد بن محمد بن عبيدالله بن عياش م ٤٠١ق، قم.
- مكاتيب الرسول، علی بن حسين علي الاحمدى الميانجى، چاپ سوم، ١٣٦٣ش، قم.
- مكارم الاخلاق، حسن بن فضل طبرسى، م قرن چهارم ق، بيروت، ١٣٩٢ق.
- من لا يحضره الفقيه، محمد بن علی بن بابويه قمى م ٣٨١ق، ٤ جلد تهران.
- مناقب آل ابى طالب، محمد بن علی بن شهر آشوب م ٥٨٨ق، ٤ جلد قم.
- المناقب للخوارزمي، الحافظ موفق بن احمد الحنفى م ٥٦٨ق، تهران.
- ناسخ التواريخ خلفاء، ميرزا محمد تقى لسان الملك سپهر م ١٢٩٧ق، تهران، ١٣٨٥ق.
- نفس الرحمن فى فضائل سلمان، ميرزا حسين بن محمد تقى النورى، تحقيق جواد قيومى م ١٣٢٠ق، تهران، ١٤١١ق.
- نهج البلاغه، دكتور صبحى صالح، بيروت، ١٣٨٧ق.

Salman Farsi, the Governor-General of Madayn

Ahmad Sadeqi-Ardestani

Būstān-e Ketāb Publishers

1388/2009

سلمان فارسی اولین ایرانی سعادت مندی بود که برای شناسایی
خدای یکتا و فرار از ستم و بیدادگری بار سفر بست و پس از
کاوش‌های فراوان، سرانجام اسلام را پذیرفت و در زمره صحابه
بزرگ حضرت محمد (ﷺ)، درآمد.

پاکی و صداقت و فداکاری‌های خالصانه وی سبب شد تا از
نزدیک‌ترین یاران پیامبر شود، به طوری که درباره او فرمود:
«سلمان منا اهل البیت».

اثر حاضر، شرح حال این مرد بزرگ را براساس منابع معتبر، به
تفصیل بررسی کرده است.

ناشر

شماره کتاب: ۵۶۱ / مسلسل انتشار: ۴۰۰۸

ISBN 964-09-0236-5



9 789640 090236